

نمونه‌ها و داستان‌های خواندنی و عبرت‌انگیز از روانکاو مشهور
پاتریک کیسمنت و مراجعان او

آموختن از زندگی

گامی به سوی روانکاو شدن

پاتریک کیسمنت [Patrick Casement]

مترجمین:

زهرا ترازوی - منصوره ربانی زاده

سرشناسه	: کیسمنت، پاتریک، ۱۹۳۵ - م.
عنوان و نام پدیدآور	: Casement, Patrick آموختن از زندگی : گامی به سوی روان تحلیل گر شدن/پاتریک کیسمنت : مترجمان زهرا ترازوی، منصوره ربانی زاده .
مشخصات نشر	: تهران: کتاب دانش پارسیان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۳۶۲ ص.
شابک	: ۱۵۰۰۰۰ ریال-978-600-8006-05-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: Learning from life : becoming a psychoanalyst, 2006.
یادداشت	: چاپ قبلی : کبیه دل، ۱۳۸۸.
موضوع	: کیسمنت، پاتریک، ۱۹۳۵ - م.
موضوع	: روانکاوی
موضوع	: روان درمانگر و بیمار
موضوع	: پزشکان -- شیوه های طبابت
موضوع	: ترازوی، زهرا، ۱۳۶۳ - ، مترجم
شناسه افزوده	: ربانی زاده، منصوره، ۱۳۶۳ - ، مترجم
شناسه افزوده	: FRC ۱۳۹۲۵۰۶ / ۹۱۸ کی
بندی کنگره	: ۶۱۶/۸۹۱۷۰۹۳
رده بندی دیوب	: ۳۹۲۰۸۷۵
شماره کتابخانه	



انتشارات کتاب دانش پارسیان

نام کتاب	: آموختن از زندگی
نویسنده	: پاتریک کیسمنت
مترجم	: زهرا ترازوی - منصوره ربانی زاده
ناشر	: کتاب دانش پارسیان
نوبت چاپ	: اول ۹۴
تیراژ	: ۱۰۰ جلد
قطع	: رقعی
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۰۶-۰۵-۳
قیمت	: ۱۵۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱۱	پیش‌دستار
۱۷	مقدمهٔ مترجم
۱۹	مقدمه:
۲۵	● بخش اول: پیشرفت
۲۷	فصل اول: آموختن از زندگی
۲۹	دونالد کمپل، جامعه‌ی روانکاوی بریتانیا
۳۰	دکتر استیل شین
۳۳	راحت الحلقوم (باسلوق)
۳۵	حالا بگو «متأسفم»
۳۵	بیان حس تأسف:
۳۸	مورد اعتماد بودن
۳۸	مسئولیت داشتن:
۴۰	تجربه‌ی ناپیوستگی و ناهشیاری عمیق
۴۰	تحت تأثیر قرار گرفتن از طریق موسیقی:
۴۵	قبول آموزش دیدن به عنوان یک روان‌درمانگر: تأیید یا اطاعت
۴۵	گام برداشتن به سوی شغل دلخواه:
۵۰	چگونه می‌توانیم مادر «بهتری» باشیم؟

۵۲	یاد گرفتن از کار بالینی:
۵۲	رابطه‌ی پزشک با بیمار:
۵۵	پاسخ دهی ناهشیار:
۶۱	فصل دوم: پیدایش حس رهبری:
۶۱	مقدمه:
۶۳	پیشینه‌ی خانوادگی پاتریک کیسمنت:
۶۴	م تفاوت و یا مابه‌ی درد سر بودن:
۶۵	آیا گذشته انسان معنی و مفهومی دارد؟
۶۸	بچه‌ها را کجا می‌آیند؟
۶۹	غیر قابل تحمل و مابه‌ی دردسر بودن:
۷۱	مدل:
۷۵	دل‌بستگی و آبروها:
۷۷	یک سرگرمی با اطنان:
۷۹	خدمت ملی:
۸۱	ملاقات با افراد واقعی:
۸۳	رفتن به دانشگاه:
۸۷	چه شغلی را باید انتخاب کنم؟
۸۹	اضطراب و آشفتگی:
۹۰	تأثیرات بعدی آشفتگی:
۹۰	بودن در بیمارستان:
۱۰۱	تفاوت هر فردی با افراد دیگر:
۱۰۳	آموزش روانکاوی:
۱۰۴	برخی تأثیرات سوء موجود در مسیر زندگی:
۱۰۶	ضمیمه‌ی کتاب:
۱۰۹	فصل سوم: نمونه‌های خواندنی از تجربیات پاتریک کیسمنت:
۱۱۰	مقدمه:
۱۱۱	دزدی کردن:

۱۱۵	فراقکنی رفتار.....
۱۱۷	دردی که فراتر از گفتن است.....
۱۱۸	رفتار به عنوان وسیله‌ی ارتباطی.....
۱۲۱	جلوگیری از بزهکاری و درمان آن.....
۱۲۴	دنیای خشن هری بارنت.....
۱۲۶	رفتار خشونت‌آمیز یک نوجوان آشفته.....
۱۲۸	مورد سام.....
۱۲۸	سبب توجیبی.....
۱۳۵	تباط از طریق رفتار خشونت‌آمیز.....
۱۳۵	حرکت به اندک حس پرخاشگری از طریق والدین.....
۱۳۸	هنوز نیاز به آرام‌سازی خاشگری‌ام و ترس از آن به توافق برسم.....
۱۳۹	چاقویی در اتاق.....
۱۳۹	حسادت کودک اول به خواهر و برادران بعدی خود.....
۱۴۱	بیش برای کنترل بیمار.....
۱۴۱	خودکشی یک بیمار روانی.....
۱۴۶	افسردگی خانم منشی.....
۱۴۸	یک داستان جالب دیگر از یک خانم.....
۱۴۹	انتظار برای رسیدن بیمار.....
۱۴۹	خودکشی یک بیمار افسرده.....
۱۵۱	علل خودکشی چیست؟.....
۱۵۳	گم کردن یک نکته‌ی کلیدی در یک مصاحبه‌ی مهم.....
۱۵۳	نگرانی زیاد یک مادر در مورد فرزندش.....
۱۵۵	دعوت به توطئه.....
۱۵۵	ماجرای طلاق یک زن و شوهر و مفید بودن مشاوره‌ی زناشویی.....
۱۵۹	تشخیص گذشته در آینده.....
۱۵۹	پدری که دوست ندارد بچه‌ای داشته باشد.....
۱۶۵	یافتن حدی برای درک کردن.....
۱۶۵	شوهر بداخلاق و پرخاشگر.....

فصل چهارم: یادگیری گفتن «نه».....	۱۶۹
مقدمه:.....	۱۶۹
تقاضا برای یک «درمان» پرجاذبه:.....	۱۷۱
اعتماد به نفس از طریق ارتباط:.....	۱۷۲
درگیری با خصومت.....	۱۷۶
«نه» گفتن.....	۱۷۷
مشکل، مال کیست؟.....	۱۸۳
تشخیص نیروی خبیث در یک ازدواج.....	۱۸۵
حترف آشوبی بین خانم و آقای اسمیت:.....	۱۸۵
ارداد حدود: باوری رو به رشد.....	۱۸۷
سفر به مادر از دخترش:.....	۱۸۷
اظهار نظر.....	۱۹۰
مادر ناایمن.....	۱۹۰
فصل پنجم: تنفر و محدودیت.....	۱۹۷
منظور از تنفر چیست؟.....	۱۹۷
منظور از محدودیت چیست؟.....	۱۹۸
تنفر در رابطه با محدودیت:.....	۲۰۰
نظریه‌های روانشناسان در ارتباط با تنفر و محدودیت:.....	۲۰۲
یک مثال کلینیکی.....	۲۰۷
بی‌توجهی والدین به نیازهای فرزندان.....	۲۰۷
فصل ششم: درمان مشکلات مربوط به دوران کودکی.....	۲۲۱
مقدمه:.....	۲۲۱
رابطه‌ی ساموئل بکت با زبان مادریش.....	۲۲۱
ناامید شدن از زندگی:.....	۲۳۸
تنفر و خشم نسبت به پدر.....	۲۴۰
سوء ظن شوهر نسبت به همسرش:.....	۲۴۲

فصل هفتم: سوگواری و سوگواری ناموفق..... ۲۴۵

مقدمه:..... ۲۴۵

مرگ در زندگی:..... ۲۴۶

سوگواری و هویت:..... ۲۴۸

تلاش‌هایی برای جابجایی و جانشین‌ها:..... ۲۵۰

گوش دادن به حرف‌های فرد سوگوار:..... ۲۵۱

تعدادی مثال از سوگواری مرضی تا شکست در سوگواری:..... ۲۵۵

سوگواری «لیخولیایی»:..... ۲۵۷

احساس گناه ناهشیار:..... ۲۵۸

یک مثال: اثر از دم موفقیت در سوگواری که پیامد مثبتی داشت:..... ۲۶۱

نتیجه‌گیری:..... ۲۶۵

فصل هشتم: فرآیند نظارت درونی: ارائه‌ی یک مورد..... ۲۶۷

نقل قول‌ها:..... ۲۶۹

ارائه‌ی یک مورد:..... ۲۶۹

فصل نهم: توسعه‌ی شاخه‌ی بالینی:..... ۲۸۵

دیدن چیزها بیش از یک دیدگاه:..... ۲۸۵

روابط موضوعی در عمل:..... ۲۸۸

حفظ فضای روانکاوی:..... ۲۸۹

ارزیابی‌های استثنایی در هنگام تجربه‌ی فشارزا:..... ۲۹۲

تمرین اصول روانکاوی و بالینی:..... ۲۹۴

نمونه‌ای از تمرین اصول روانکاوی:..... ۲۹۶

نگاهی فراتر از تعصب:..... ۲۹۸

● بخش دوم: تفکرات..... ۲۹۹

فصل دهم: برخی چیزهایی که سخت توضیح داده می‌شوند..... ۳۰۱

آیا می‌توان همه چیز را درک کرد؟..... ۳۰۱

۳۰۳	یک تصادف و تقارن عجیب:
۳۰۷	یک تصادف و تقارن دیگر:
۳۱۰	یک آگاهی اسرارآمیز و عجیب:
۳۱۱	فراتر از کنترل شدن توسط بیمار:
۳۱۶	زنی که احساس می‌کرد باید یک پسر می‌بود:
۳۱۸	جلسات از دست رفته:
۳۱۹	یک اشتباه خیلی جالب:
۳۲۰	یک غیبت طولانی:
۳۲۲	رویه‌های تشخیصی:
۳۲۶	یک تقارن عجیب دیگر:
۳۲۷	تلبات:
۳۲۹	فصل یازدهم: یقین، عدم یقین:
۳۳۵	یک تجربه‌ی مختصر از تقلید عقاید مسیحیت و اصول دینی پروستان:
۳۳۶	جذابیت یقین:
۳۳۷	تفسیرهای مربوط به یقین:
۳۴۰	دین و خرافات:
۳۴۲	همیشه فراتر از درک:
۳۴۷	عدم یقین:
۳۵۱	فصل دوازدهم: نگاه به گذشته:
۳۵۲	عنوان کتابم:
۳۵۵	مرور و نقد برخی موضوعات:

پیش‌گفتار

پاتریک کیسمنت کتاب *فرهنگ‌های نوشته‌ای* است. کسانی که با کیفیت آثار او آشنا هستند می‌توانند به نمونه کتاب (آموختن از.....) را تشخیص دهند. این مضمون مقالات و کتاب‌ها، نگرش او به بیماران و دیدگاهش را نسبت به رشته روانپزشکی و روان‌شناسی می‌سازد. در این کتاب، او بیشتر موضوعات روان‌شناختی را با صحبت آزادانه در مورد راه‌هایی که به وسیله‌ی آنها از زندگی و به ویژه از تجارب خودش آموخته بیان می‌نماید. تجاربی که او انتخاب کرده، دامنه‌ی گسترده‌ای دارند و شامل تفکر درباره‌ی زمینه‌ی خانوادگی‌اش، (وی در خانه یک کودک و لجوج دشوار به حساب می‌آمد) و تجارب تعارض‌آمیز با اعضای خانواده و لحظات آشکارسازی این تجارب و، وقفه‌های دردناک و تغییرات حاصل از تحلیل او که فقط به تصمیمش برای ادامه‌ی آموزش در زمینه‌ی

روانکاوی محدود نیست. نوشتن به این طریق، یک حرکت جسورانه است و البته برخی شاید بگویند این کار بی‌پروایی است، مانند نوع خاصی از دستورات خردمندانه که می‌گوید آشکارسازی زندگی روانکاو، مفهوم تهاجم‌آمیز و کار ناپسندی است. کیسمنت از این منحل آگاه بود، ولی با ترکیب صراحت و بررسی دقیق به خاطر خواننده آن را رفع کرد.

صداقت در مفهوم می‌توانست به درک بهتر کمک کند، به ویژه بخاطر حس تازه یافته شده‌ی آزادی که پس از بازنشستگی از فعالیت خصوصی تمام وقت وی در کلینیک روانکاوی به وجود آمده بود. توجه به خواننده به طور عمده از طریق اطلاعات جزئی و بیشتر به خاطر عنوان کتاب «آموختن از زندگی» مشخص است. نکته‌ی اعتراض‌آمیز و افراطی در مورد روشی که کیسمنت در مورد خود صحبت کرده وجود ندارد. آنچه، آشکارسازی‌های تجارب او را متمایز می‌کند روزمرگی دلگرم کننده‌ی آنهاست. ما به عنوان یک انسان، در تلاش خاص برای رشد در سول کودکی و نوجوانی و اوایل بزرگسالی، بسیاری از جنبه‌های رشد اضطراب‌ها، بحران‌ها را دیدیم. به خاطر اعتبار کیسمنت است که او می‌خواهد باران به کارگیری مضمون کتاب یا نگرانی بی‌دلیل خواننده، نهایت نشانه‌های ظهور شخصیت را آشکار کند.

او حتی در مورد دوره‌ی مختصری از در هم شکستگی‌اش در اوایل بیست سالگی بحث می‌کند. کیسمنت در این کتاب تأثیر

احساسات برای درگیری با سؤالات جدید و بنیادی در مورد روانکاو شدن را بیان می‌کند. احتمالاً قبل از ادامه‌ی کار روانکاوی از بررسی این سؤالات جلوگیری شده است؛ از این رو، این کتاب در فاصله‌ی دوباره‌ی زندگی کیسمنت نیست، بلکه بیشتر توضیحی از منافع تجاری است که می‌توانند در اکتساب دانش روانکاوی شرکت کنند و تنها اثر روانکاوی را مد نظر ندارد. برای مثال، او وقت خود را به خطر نیاز به تعریف و فهم دقیق دردی که بسیاری از ما با آن زندگی می‌کنیم و برای روانکاو بیان می‌کنیم صرف نموده است، یک راه خواندن کتاب دیدن آن به عنوان یک داستان هشداردهنده در مورد خطرات پنهانی بی‌شماری است که می‌تواند ما را از این وظیفه دور نگه دارد. کتاب است در مورد نیاز به ایجاد محدودیت‌ها و توانایی گفتن (نه) از طریق اعتماد به خدمات روانکاوی، نیاز به محدودیت تنفر در ارتباط و انتقال متقابل، ارزش سوگواری و خطرات حتمی و اهمیت نظارت بر زندگی بحث نموده است. این کتاب با تفکر در مورد زندگی شخصی، او پایان می‌یابد. پس از پایان یافتن کتاب احساس من این بود که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را بدون فهمیدن یک بخش بزرگ از آن و شاید بدون دگرگونی از طریق آن خوانده باشد.

[پیشگفتار با تشکر از پروفوسر پاول ویلیامز - رییس دفتر

بین‌المللی روانکاوی - دسامبر ۲۰۰۵]

تقدیرات:

بیش از آنچه که بتوانم نام ببرم و یا به خاطر بیاورم، افراد زیادی در نوشتن این کتاب کمک کرده‌اند. در تمام مراحل زندگی‌ام تحت تأثیر کسانی بوده‌ام که در اطرافم هستند و تأثیر پرباری که از این افراد گرفته‌ام را در سرتاسر این کتاب منعکس کرده‌ام، و برای هر آنچه که به یاد می‌آورم همیشه سپاسگزارم.

در جریان نوشتن این کتاب، همکاران و دوستان زیادی بوده‌اند که در بخش‌های گوناگون آن به من کمک کرده‌اند و مرا برای نوشتن آن سبویو کردند. از تک تک آنها سپاسگزارم.

به ویژه مایلم تشکر را از روانکاو، هارولد استوارت^۱ بکنم، او کسی است که استاد خاص خود را برای آشکار کردن روشی که در فصل دوم به آن اشاره کرده‌ام را به من یاد داد. من به بیش از همه به همسرمدیون هستم، او را برای نوشتن این کتاب تشویق کرد، با این باور که من هنوز در ساختن این سری از (آموختن از.....)ها، شرکت دارم. از این رو همسرمد یکبار دیگر مجبور بود، غیبت همیشگی شوهر خود را به خاطر درگیری در نوشتن این کتاب تحمل کند.

همچنین مایلم یکبار دیگر از خانم (جوزفین کلین)^۲ به خاطر ویرایش ماهرانه‌اش از نسخه‌ی خطی تشکر ویژه‌ای کنم. مثل

1. Harold Stewart.

2. Josephine Klein.

همیشه، مدیون بیماران و افراد تحت سرپرستیم هستیم؛ کسانی که منبع بسیاری از الهامات و یادگیری‌ها بوده‌اند و امیدوارم بتوانم تشکرات ویژه خود را به کسانی که برای چاپ برخی از گزیده‌های آردم تلاش کرده‌اند بیان نمایم، و نیز به خاطر اجازه‌ای که ناشران به من دادند تا از مطالب قبلاً چاپ شده و جزئیات آن‌ها در رابطه با فصل‌ها و نیز سؤالات استفاده کنم، تشکر می‌کنم.

«پاتریک کیسمنت»

مقدمه مترجمین

آموختن از زندگی، فکر، دیدگاه بزرگان علم، و به ویژه بزرگان علوم رفتاری و روانکاوی، عمر خود را در توصیف و تبیین ذهن و دل آدمیان صرف کرده‌اند، هم دلیپذیر است و هم چالش‌انگیز و تناقض‌آمیز. سفری است از «نوشتن» به ژرفای ناشناخته و همواره در جستجوی «خویش»؛ توصیف نموده‌ها، تصویر هست‌ها و جلوه نیلوفرانه رفتار و تبیین رنج‌ها، گناه‌زنی در علل و اسباب و چگونگی برآمدن این زیبایی از لجن‌زار است.

کتاب حاضر، به بیان داستان گونه‌ی وقایع زندگی نویسنده و مراجعان او می‌پردازد که از آن می‌توان مطالب زیادی درباره علم روانکاوی و مهم‌تر از آن خودکاوی آموخت. این کتاب، شامل دامنه‌ی گسترده‌ای از کوشش‌ها و تجارب کیسمنت در حوزه علم و روانکاوی است و از ۱۲ فصل تشکیل شده است. دوران کودکی،

شرایط خانوادگی، زمینه اجتماعی و تحصیلی این روانکاو، و نمونه‌هایی از زندگی و کار وی، از جمله فصول ثابت و همسانی است که در تدوین این مجموعه گنجانیده شده است.

در پایان، وظیفه خود می‌دانیم که از تلاش‌های صمیمانه مدیریت انتشارات کعبه‌ی دل که با پیگیری و دقتی خاص، موجبات چاپ این کتاب را فراهم آوردند تشکر کنیم و از خداوند علی‌حکیم تریق از نویسندگان گرانقدر، استادان، دانشجویان و فرهنگ دوستان کثیر را تمنا می‌کنیم.

زهره ترازوی - منصوره ربانی‌زاده

مقدمه:

تمام زندگی می‌تواند از طریق ارائه‌ی چالش به ما برای درک توقعاتی که زندگی از ما دارد، معنی برای آموختن باشد. این آموختن می‌تواند از طریق آنچه از آن لذت می‌بریم یا تجاربی که موجب تعارض و درد می‌شوند، ایجاد شود. من در تلاشم برای درک آن چه از زندگی آموخته‌ام، دامنهی وسیعی از تجاربی که مرا از تغییرات دوره‌ی جوانی آگاه می‌کند، در نظر بگیرم. این تجارب بدون هیچ مفهومی از هدف در زندگی آورده شده‌اند، یعنی روانکاوی شدنم را در نظر نمی‌گیرد. این اتفاق منشأ اصلی علاقه‌ی من به روانکاوی بوده است.

من خود را به طور ویژه، خوش شانس می‌دانم؛ چون در گذشته تردیدی ندارم که به روانکاوی احتیاج داشتم. در این کتاب، من برخی جزئیات از کار افتادگی‌ام را در سال‌های میانی دهه‌ی بیست

زندگی‌ام آورده‌ام؛ در آن هنگام راه‌های قدیمی زندگی کردن به خاطر عامل مهمی که خیلی مفید بود، کنار گذاشته شد. حالا که دیگر بیماران جدیدی را نمی‌پذیرم، در نوشتن این کتاب از آزادی دوران بازنشستگی‌ام، بهره‌مندم. این متن اجازه داد تا خطر خود آشکارسازی را تجربه کنم، خود آشکارسازی در زمانی که مشغول کار تحلیل هستیم و می‌خواهیم برای هم ناشناس باقی بمانیم مناسب نیست؛ چون ممکن است بیماران، ما را به عنوان اشخاص مهمی در زندگی خود بدانند، یعنی تا حدی که ممکن است نباید با دانستن زیاد بر مورد روانکاوی موجب بازداري روند کار او شویم. من مطمئنم که بیماران قاضی من، می‌توانند با خودافشاگری‌ها در این کتاب کنار بیایند. با این حال شاید در مقایسه با همکارانم ریسک بزرگ‌تری کرده باشم. بازگشت مطالبی در مورد خودم می‌تواند موجب شود برخی از همکارانم در مورد من فکری بکنند و شاید چهارچوبی بسازند و مرا در آن چهارچوب ببینند. ولی امیدوارم در نظر داشته باشند که چنین تفکری می‌تواند سهولت تحلیل غیرواقع بینانه باشد. ارائه‌ی برخی از جزئیات شخصی با استناد از نظریه‌ی روانکاوی در اینجا می‌تواند کار آسان و حتی جالب باشد. اما همیشه این نکته مورد سؤال بوده که بدون علاقه‌ی شخصی چگونه می‌توان تفکر روانکاوانه داشت. من از روی عمد این ریسک را پذیرفتم و فکر نمی‌کردم که این قدر بترسم. من همانم که هستم، و کار روانکاوی من مانند گذشته است، هیچ تغییری در کار

روانکاوی‌ام رخ نداده است. در زندگی من اتفاقات زیادی افتاده؛ برخی از آن‌ها به خودی خود مهم به نظر نمی‌رسند ولی من آنها را مهم می‌دانم، چون پایه‌ی ادراک بعدی من از زندگی شده‌اند و اکنون درک من از روانکاوی را شکل می‌دهند. اغلب اوقات من به خود می‌خندم و خواننده را نیز دعوت می‌کنم تا به همراه من بخندد. هم‌اکنون من به عنوان یک مأمور نظارت و مددکار اجتماعی، نمونه‌هایی از ارزش‌های اولیه‌ی خود برای کاربرد نظریه در زندگی را در این جا می‌آورم. برخی از این نمونه‌ها نشان‌دهنده‌ی کاربرد غیر ماهرانه‌ی نظریه هستند. من معتقدم بسیاری از ما، مخصوصاً به عنوان دانشجوی روانکاوی درمانگر به طور همسان می‌توانیم مرتکب استفاده‌ی ساده لوحانه از نظریه شویم. این نمونه‌ها در اینجا آورده شده‌اند تا به ما بگویند چطور باید عمل کنیم. ما احتمالاً همه چیز را از آن‌ها یاد می‌گیریم.

نگرش من به روانکاوی در طول دوره‌ی دارلدی کی‌ام به مقدار زیادی تغییر کرد. یک تغییر بسیار مهم در باور قبلی من نسبت به ارزش «اصلاح تجربه‌ی هیجانی» ایجاد شد. حالاً می‌فهمم که چگونه اصلاح تجربه‌ی هیجانی می‌تواند روانکاو را از کاری که باید انجام بدهد، دور کند. در جریان کاوش در زمینه‌ی روش‌های روانکاوی مجبور بودم اهمیت این موارد را یاد بگیرم؛ قرار دادن حد و مرز، (نه) گفتن در صورت لزوم و کنترل خشم درمانگر وقتی مراجع و بیمار آن چه باید درک کنند را نفهمند.